

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

راشل مارسدن
فرستنده: عثمان حیدری
۰۷ سپتمبر ۲۰۲۲

هر کس با طناب امریکا به چاه رفت.

جنیفر گرانهولم، وزیر انرژی ایالات متحده، مشغول فشار آوردن به پالایشگاه های امریکائی است تا صادرات گاز و سایر سوخت ها به متحدان اروپائی را متوقف کنند، آنهم در شرایطی که آنها با کمبود انرژی دست و پنجه نرم می کنند.



www.globallookpress.com Christian Ohde/Imago

به نظر می رسد که اکنون نوبتی هم باشد نوبت اروپا است که به ارزش وعده های واشنگتن پی ببرد – آنهم در یک یادداشت، نچندان مفصل.

جنیفر گرانهولم، وزیر انرژی امریکا در نامه ای که سردبیران وال استریت ژورنال آن را «قلدری» آشکار توصیف کرده اند، از پالایشگاه های اصلی نفت این کشور خواست از افزایش صادرات در آینده خودداری کنند. – آنهم در زمانی که متحدان ایالات متحده در اتحادیه اروپا (EU) بشدت به دنبال واردات انرژی جایگزین برای نفت و گاز فدراسیون روسیه هستند که به فرمان همین امریکا آن را تحریم کرده اند.

«با توجه به بالا بودن سطح تاریخی صادرات فرآورده های نفتی پالایش شده ایالات متحده، من مجدداً تاکید می کنم که در کوتاه مدت به جای فروش موجودی های فعلی و ادامه افزایش صادرات، تمرکز بر ذخیره مجدد موجودی های ایالات متحده باشد.»

گرانپولم با استناد به « پائین بودن تاریخی ذخایر موجودی بنزین و گازوئیل در بخش‌هایی از کشور» نوشت. به عبارت دیگر، «اول امریکا!» چه کسی از این فرمان تعجب می‌کند؟

اتحادیه اروپا قطعاً نباید تعجب کند - اصلاً مهم نیست که همین اروپایی‌ها قبلاً به چه چیزی اعتقاد داشتند. موضع خانم گرانپولم با بیانیه مشترک اتحادیه اروپا و ایالات متحده که در کاخ سفید در ۲۷ جون منتشر شد و بر «همکاری برای یافتن راه‌هایی برای کاهش هر چه بیشتر درآمدهای روسیه از صادرات انرژی اشاره می‌کرد» بسیار متفاوت است.

متحدها غربی ادعا می‌کنند که «پیشرفت‌های مهمی در کاهش وابستگی اتحادیه اروپا به سوخت‌های فسیلی روسیه، به خصوص از طریق کاهش تقاضا برای گاز طبیعی، با همکاری در توسعه فناوری‌ها از طریق بهبود بهره‌وری انرژی و تنوع بخشیدن به عرضه انرژی داشته‌اند.»

اما الان این همکاری در چه وضعیتی به سر می‌برد؟ حقیقت این است که ایالات متحده خیلی شفاف و ساده از زیرساخت و ظرفیت لازم برای پاسخگویی به نیازهای عظیم اتحادیه اروپا محروم است، در عین حال با مخالفت گروه‌های زیست‌محیطی که توسعه زیرساخت‌ها را دشوار می‌کنند، مواجه است.

این همان دلایلی‌اند که جاستین ترو، نخست‌وزیر کانادا را از قول دادن LNG کانادا به اولاف شولز صدراعظم آلمان در اوایل ماه اگست در سفرش به اتاوا باز داشت.

بایدن در سخنرانی خود در کاخ سفید گفت که «در حال ایجاد شراکتی برای تنوع بخشیدن به عرضه انرژی به اروپا» است و «ایالات متحده و سایر تولیدکنندگان انرژی برای انجام این کار تلاش‌های خود را افزایش داده‌اند.»

و اکنون وزیر انرژی ایالات متحده روی صحنه می‌رود و از تولیدکنندگان انرژی ایالات متحده می‌خواهد که پشت کاناپه پنهان شوند و وانمود کنند که هیچ‌کس در خانه نیست در حالی که جت‌های سیاستمداران اتحادیه اروپا برای تهیه انرژی از این گوشه جهان دیوانه‌وار به آن گوشه جهان پرواز می‌کنند و هر دری را می‌کوبند شاید بتوانند گاز و نفت گدائی کنند.

قابل درک است که جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده و کل حزب دموکرات او بخواهند منافع سیاسی خود را پیش از انتخابات میان‌دوره ای ماه نومبر آینده در ذهن داشته باشند.

آنها مطمئناً نمی‌خواهند رأی‌دهندگان آمریکائی را در خانه با کمبود سوخت از خود برنجانند تا رأیشان را به حزب جمهوری‌خواه بدهند.

همچنین برای واشنگتن ناراحت‌کننده نیست که بروکسل اکنون بدون گاز ارزان روسیه به سر می‌برد.

مدت‌ها قبل از درگیری اوکراین، واشنگتن خط لوله گاز نورد استریم ۲ را که قرار بود گاز روسیه را از طریق آلمان به اروپا منتقل کند، نفرین و تحریم کرد.

استدلال نگران‌کننده واشنگتن این بود که وابستگی اتحادیه اروپا به روسیه برای امنیت انرژی اروپای غربی سودمند نخواهد بود.

واشنگتن به بهانه محافظت از اروپا آنها را برابر خودش!، آمریکائی‌ها تمام تلاش خود را کرد تا به این پروژه پایان دهد یا حداقل آن را به تأخیر بیندازد.

نتیجه نهائی، البته، این بود که قدرت انتخاب و رقابت اقتصادی اروپا کمتر شد و به ویژه این به نفع واشنگتن در رقابت اقتصادی جهانی بود.

گاز روسیه که از خط لوله نورد استریم ۱ عبور می کرد، المان را به مرکز اقتصادی اتحادیه اروپا تبدیل کرده است و اتحادیه اروپا را قادر ساخت تا از نظر اقتصادی در موقعیتی برابر با واشنگتن در سراسر جهان رقابت کند. اتکاء به این گاز نیز برای چندین دهه هرگز مشکلی برای اتحادیه اروپا نبوده است.

با این حال، پس از آن که خود اتحادیه اروپا و به طور یکجانبه امنیت عرضه خود را قطع کرد و اکنون سعی دارد آن را به گردن ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه بیندازد، در حالی که این یک مشکل خود ساخته است. سرزنش پوتین و تلاش برای متقاعد کردن شهروندان اتحادیه اروپا مبنی بر این که همه آنچه اکنون در حال رخ دادن است تقصیر روسیه است، تنها بهانه ای است که دولت های اروپائی برای منحرف کردن خشم عمومی در صورت امکان برایشان باقی مانده.

این آخرین توجیه در مواجهه با قیمت های نجومی بالای انرژی و در مواجهه با کمبود، خاموشی، جیره بندی، توقف تولید و از کار افتادگی صنایع و بیکاری است که آنها در چننه خود دارند.

ناکامی در خنثی کردن خشم کسانی که از این تصمیمات سیاستمداران اروپائی رنج می برند مانند یک بمب ساعتی عمل می کند، که می تواند به ناآرامی های مدنی در سراسر اتحادیه اروپا منجر شود.

کشور های عضو اتحادیه اروپا مجبور نبودند چنین تصمیماتی را بگیرند و این تنها گزینه آنها نبود، هنگری ثابت کرده است که می توان با تحریم های ضد روسیه در بخش انرژی مخالفت کرد، اگر این تحریم ها به نفع مردم و صنعت کشور نباشد.

هنگری نه تنها از آغاز درگیری ها حتی قراردادهای انرژی جدیدی با روسیه امضاء کرده است، بلکه اکنون به ساخت نیروگاه های هسته ئی جدید که قرار است توسط روسیه نیز ساخته شود، چراغ سبز نشان داده است. هنگری برای نجات خود شجاعت نشان داده است، در حالی که بقیه اتحادیه اروپا می خواهند مصرف انرژی را به شهروندان خود دیکته کنند و به آنها می گویند که «هیچ جایگزینی» برای اقدامات ریاضتی وجود ندارد.

پس از این که بسیاری از مردم جهان قبلاً «اجازه داشتند» این را تجربه کنند، که ایالات متحده آینده روشن تری را فقط زمانی وعده می دهد که قبلاً همه چیز هائی را که وجود داشت است، نابود کرده باشد، این بار، نوبت اروپا رسیده است تا مزه این وعده امریکائی ها را تجربه کند و به بازنده بزرگ تبدیل شود.

همانطور که نامه جنیفر گرانهولم تأیید می کند، واشنگتن همیشه ابتداء به دنبال منافع خود است. اتحادیه اروپا در نهایت باید همین کار را انجام دهد – قبل از این که خیلی دیر شود.